

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Human rights

حقوق بشر

از نشریه پیشرو شماره ۳۵

۱۱/۰۱/۱۳

قتل عام یکاولنگ، داغ ابدی برجین آدمکشان

ده سال از فاجعه خونین قتل عام یکاولنگ به وسیله طالبان می گذرد. در آن روز بیش از سه صد و پنجاه نوجوان، جوان و سالخورده توسط جنایتکاران طالب تیرباران شدند که در دهات فقیر یکاولنگ دریای خون جاری شد.

در آن روزها ولسوالی یکاولنگ در تسخیر طالبان قرار داشت و افرادی چون سعیدی و صوفی گردیزی ولسوال و آمر قطعه منتظره ولسوالی از خود منطقه بودند. اما در آغاز ماه جدی، کریم خلیلی هفت تن از ریش سفیدان محل را نزد طالبان فرستاد و تعهد کرد که بر یکاولنگ حمله نمی کند، اما چند شب بعد، نیروهای او از دره صوف به بند امیر سرازیر شدند و بر یکاولنگ حمله نموده ولسوالی را تسخیر کردند. طالبان به زودی دست به حمله متقابل زده و با شکست حزب وحدت، در ۱۹ جدی ۱۳۷۹، قریه های جمک، قلعه شاه نهنگ، دهن کنک، بید مشکین، دره علی، فیروز بهار، سر آسیاب، پشته، لیلور، قاشغوله، کشکک، کته خانه، دهن شوراب، خم آستانه، نیشر و آخندان یکاولنگ را محاصره و همه مردانی را که فرار نکرده بودند در مرکز قریه نیک (پشت آکسفام) و دهن شوراب جمع نموده و بعد یکایکی را تیر باران کردند. وقتی سید صفدر را به تیر بستند، پسرش سید میرعلی که واکنش فرزندی نشان داد و لگدی بر طالب حواله کرد، جلادان طالب با قساوت غیر انسانی پوستش کردند.

در این قتل عام زحمتکشانی به قتل رسیدند که نه پیوندی با حزب و حدت خلیلی داشتند و نه به حمایت هیچ تنظیمی می اندیشیدند و مثل صدها هزار افغانی که در این سی سال قربانی بدمستی های رهبران و قومندانان جهادی و طالبی شدند، اینان نیز بی هیچ «تقصیری» در میان رقابت طالبان و تنظیمی ها سوراخ سوراخ گشتند. تعدادی از این قتل عام شدگان عبارتند از:

رجب (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، محمد علی (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، غلام عباس (دکاندار از قلعه شاه نهنگ)، سید محمد (دهقان از جمک)، ابراهیم (دهقان از جمک)، شیر محمد (دهقان از جمک)، داوود (دکاندار از جمک)، نوروز علی (دهقان از جمک)، سید اقبال (نجار از جمک)، سید احمد (دهقان از جمک)، سید حسن (دهقان از جمک)، غلام حسین کربلایی (دهقان از دهن کنک)، سید محمد علی (دهقان از بید مشکین)، سید جواد (معلم از بید مشکین)، سید علی حسین (دهقان از بید مشکین)، سید محمد (معمار از بید مشکین)، سید احمد شاه (دهقان از بید مشکین)، سید عبدالله (دهقان از بید مشکین)، سید عبدالحمید (دهقان از بید مشکین)، سید حبیب الله (معلم از بید مشکین)، سید اسامه (دهقان از بید مشکین)، شاه ظفر (کارگر از بید مشکین)، سید عبدل (دهقان از بید مشکین)، سید ابراهیم (دهقان از بید مشکین)، سید خادم (دهقان از بید مشکین)، سید اکرم (دهقان از بید مشکین)، سید عظیم (دهقان از بید مشکین)، سید امیر (دهقان از بید مشکین)، سید رضا (دهقان از بید مشکین)، سید امین (معلم از بید مشکین)، سید اکبر خان (معلم از بید مشکین)، سید صفدر (دهقان از بید مشکین)، سید مهر علی (دهقان از بید مشکین)، سید عوض (معلم از بید مشکین)، سید محمد (معلم از بید مشکین)، سید احمد (دهقان از بید مشکین)، سید ابوالقاسم (مامور از بید مشکین)، سید اکبر (دهقان از بید مشکین)، سید محسن (حلبی ساز از بید مشکین)، سید غلام حسین (دهقان از بید مشکین)، محمد عیسی (طفل شش ساله از بید مشکین که توسط نارنجک حزب وحدت شهید شد)، سید الم (دهقان از بید مشکین)، پری (طفل ۹ ساله از بید مشکین)، محمد حسن (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، محمد (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، چمن زوار (دکاندار از دره علی)، عبدالله (دهقان از دهن کنک)، محمد ابراهیم (دهقان از دهن کنک)، سید جواد (غریبکار از قلعه شاه نهنگ)، محمد علی (آهنگر از قلعه شاه نهنگ)، سید محمد پیمان (نجار از قلعه شاه نهنگ)، قهرمان (دهقان از فیروز بهار)، عوض (دهقان از فیروز بهار)، موسی (دهقان از فیروز بهار)، امان (دهقان از فیروز بهار)، قربان (دهقان از فیروز بهار)، محمد عیسی (دهقان از فیروز بهار)، سید محمد عطایی (دهقان از فیروز بهار)، محمد نادر (نانوا از سر آسیاب)، سید محمد تحصیلی (معلم از سر آسیاب)، سید هادی (معلم از فیروز بهار)، حسین علی حسینی (روحانی از لیلور)، عبدالعظیم (دهقان از دره علی)، قربان (قصاب از دره علی)، سید عزیز (معلم از دره علی)، عبدالله (دهقان از قاشغوله)، محمد حسین (دهقان از قاشغوله)، اسدالله (ملا از قاشغوله)، حسین بخش (دهقان از دره علی)، مدار زوار (دهقان از پشته)، سید عزیز اخلاقی (محصل از نیشر)، محمد حسن فداکار (نانوا از دره علی)، محمد علی عرفانی (روحانی از دره علی)، عباس (دهقان از دره علی)، عید محمد (تاجر از دره علی)، نور احمد (تاجر از دره علی)، محمد علی (تاجر از دره علی)، حاجی محمد (خباز از قلعه شاه نهنگ)، نادر علی (نانوا از قلعه شاه نهنگ)، حسین علی (دکاندار از قلعه شاه نهنگ)، علی ظفر (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، سید محمد (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، سید حسین (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، نبی (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، محمد (دهقان از قلعه شاه نهنگ)، باقر (دهقان از قلعه شاه نهنگ) و صدها گمنام دیگر که

سلاخی شدند و جز فرزندان و هم تباران طبقاتی شان، کسی بر آنان گریه نکردند و حال که ده سال از این کشتار جبونانه می گذرد، کودکان آن روز یکاولنگی به نونهالان ستبری مبدل گشته اند که نه تنها بر قبر پدران شان ناله سر می دهند بلکه به تقاص خون پدران و انتقام مرگ تمامی زنان و مردان کشته شده توسط جلادان طالبی و تنظیمی، می اندیشند.

در این میان عده ای بعد از این قتل عام، با علم نمودن خون زحمتکشان یکاولنگی، بازار پروژه و پروپوزل سازی شان را گرم کرده و با سودای این همه خون از اجساد بی رمق دهقانان یکاولنگی دالر به دست آوردند و با وعده های سرخرمنی، قطره ای به کام بازماندگان شان نریختند؛ آنان فلم ساختند و تصاویر شان را در هر کنج و کنار فروختند و با چنین سوداگری هائی هرگز یادی از آنان نکردند و صدها خانواده را در سوگ عزیزان شان تنهای تنها گذاشتند.

با اینکه ملیار دالر از سوی «جامعه جهانی» به افغانستان سرازیر گردید، اما هیچ مدنی گرا، تکنوکرات و قوم سالاری نه تنها پیشیزی برای فرزندان این همه جان باخته ندادند بلکه حتی سری به آن دیار غرق خون نزدند (انتظاری که هرگز از اینان نباید داشت). این بازماندگان روزی در کنار تقاص خون پدران شان باید حساب این همه پول ها را از «سوداگران» فلم و تصویر و آنانی که پول های «جامعه جهانی» را به نام و نشان شان می ربایند بگیرند و نشان دهند که فرزندان اصیل پدران با شهامت و شهید شان هستند.

۱۹ جدی در یکاولنگ، روز سردی بود و برف ضخیمی زمین را پوشانده، اما چون چند شبانه روز کسی نبود که این همه شهید را دفن کند و زنان و کودکان هم توان نزدیک شدن به اجساد عزیزان و دلبندان شان را نداشتند، بعد از آن آرام آرام فراری ها بار دیگر به دهات شان فرود آمده و اجساد شهداء را به تکیه خانه ها انتقال دادند. اجساد پر خون یخ بسته چنان با هم چسبیده بودند که فقط با کلنگ و تبر ممکن بود از هم جدا شوند.

قتل بیش از ۳۵۰ نفر در یک لحظه برای هر یکی از قراء یکاولنگ قبرستان جدیدی ایجاد کرد و این «خدمتی» بود که طالبان در «باز سازی» یکاولنگ به سر رساندند، کاریکه قبلاً اسلاف جهادی شان در سر تا سر افغانستان مخصوصاً در پایتخت به سر رسانده بودند.

نشریه پیشرو، ضمن این که روز ۱۹ جدی را برای بازماندگان این همه جان باخته، تسلیت می گوید و بازوان آنان را در انتقام از تمام قاتلان مردم و مخصوصاً زحمتکشان افغانستان ستبر و نیرومند می خواهد، تعدادی از نام ها و تصاویر شهدای یکاولنگی را در این شماره به چاپ می رساند تا اگر بخش کوچکی از وظیفه خود را در قبال جان باختگان زحمتکش افغانستان به سر برساند.

ياد جانباختگان يکاولنگ گرامی باد!



یاد جانباختگان یکاولنگ گرامی باد!

